Tarikh Islam dar Ayene-ye Pazhuhesh **2025, Vol. 22, No.1, p 107-123**

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

10.22034/tarikh.2026.5003914

20.1001.1.24234028.1405.23.1.6.0

A Comparative Study of Economic Crises in the Prophetic and Alid Governments and Strategies for Their Management

Mohammad Vahednejad / Advanced-level seminary student in History of the Ahl al-Bayt, Institute of Imam Reza 313revenge313@gmail.com

Javad Soleymani Amiri / Professor, Department of History, Imam Khomeini Educational and Research Institute soleymaniamiri@iki.ac.ir

Received: 2026/06/07 - **Accepted**: 2026/07/21

Abstract

Every society is constantly exposed to economic crises, and the failure to manage them properly brings about undesirable consequences. The Muslim community during the eras of the Prophet Muhammad and Imam Ali also faced numerous economic crises, which were managed through measures and strategies based on Islamic principles. Crises such as the siege of Abu Talib's valley and the economic boycott of the Muslims of Medina, which were managed in the Prophetic government through the distribution of personal wealth by individuals such as Lady Khadija or by circumventing the boycott, and other economic crises such as the waste of Bayt al-Mal resources by dismissed Umayyad officials, as well as the costs of war and the plundering of the Bayt al-Mal in Basra, were resolved in the government of the Commander of the Faithful through the reform of the collection and distribution system of the Bayt al-Mal. This research, using a library-based method in the field of economic crisis management, is a comparative study of the Prophetic and Alavi conduct in order to provide an effective model for contemporary Islamic societies.

Keywords: crisis, government, management, Alavi conduct, Prophetic conduct.

تاریخ اسلام در آینه پژوهش ——————سال بیست و سوم، شماره اول، پیاپی ۶۰، بهار و تابستان ۱۴۰۵، ص ۱۰۷ـ۱۲۳
https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0
doi 10.22034/tarikh.2026.5003914
dor 20.1001.1.24234028.1405.23.1.6.0

مطالعهٔ تطبیقی بحران‌های اقتصادی در حکومت نبوی و علوی و راهکارهای مدیریت آنها

محمد واحدنژاد / دانش‌پژوه طلبهٔ سطح ۴ تاریخ اهل‌بیت مؤسسهٔ امام رضا 313revenge313@gmail.com
جواد سلیمانی امیری / استاد گروه تاریخ مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی soleymaniamiri@iki.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ – **پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۴/۳۰

چکیده

هر جامعه‌ای همواره در معرض بحران‌های اقتصادی قرار دارد که عدم مدیریت صحیح آنها پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت. جامعهٔ اسلامی در عصر حکومت پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین نیز با بحران‌های متعدد اقتصادی روبه‌رو بود که با تدابیر و راهبردهای مبتنی‌بر موازین اسلامی مدیریت می‌شد. بحران‌هایی چون شعب ابی‌طالب و یا تحریم اقتصادی مسلمانان مدینه که به وسیلهٔ توزیع اموال شخصی افرادی همچون حضرت خدیجه و یا دور زدن تحریم‌ها در حکومت نبوی مدیریت شد و بحران‌های اقتصادی دیگری مانند هرز دادن امکانات بیت‌المال توسط کارگزاران معزول اموی، هزینه‌های جنگ و غارت بیت‌المال در شهر بصره که به وسیلهٔ اصلاح سیستم ستانش و توزیع بیت‌المال در حکومت امیرمؤمنان مرتفع گشت. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای در زمینهٔ مدیریت بحران‌های اقتصادی، به مطالعهٔ تطبیقی سیره نبوی و علوی می‌پردازد تا الگویی کارآمد برای جوامع اسلامی معاصر ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: بحران، حکومت، مدیریت، سیرهٔ علوی، سیرهٔ نبوی.

مقدمه

بحران پیشامدی ناگهانی و فزاینده است که به وضعیتی ناپایدار در جامعه می‌انجامد و حل آن نیازمند اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. وقوع بحران‌های گوناگون در دوران حکومت پیامبرﷺ و امام علی‌ؑ، نیازمند مدیریت کارآمدی بود که از طریق راهکارهای تهاجمی (مانند جهاد)، تبیین حقایق و تدابیر پیشگیرانه اعمال می‌گردید. بازپژوهی تطبیقی این سیره در بُعد اقتصادی می‌تواند راهگشای حل بحران‌های جوامع اسلامی امروز باشد.

سوءمدیریت در مواجهه با بحران‌ها، مانعی جدی در مسیر کمال مطلوب جوامع است و از سوی دیگر، بهره‌گیری از سیرهٔ پیشوایان دینی به‌عنوان الگوی کلان مدیریتی، ضمن جلوگیری از یأس اجتماعی، تضمین‌کنندهٔ بقا و کارآمدی حکومت است. چنان‌که امیرالمؤمنین‌ؑ می‌فرمایند: «هر کس به عدالت رفتار کند، خداوند حکومتش را حفظ خواهد کرد.»[۱]

تاکنون پژوهش مستقلی که به‌صورت تطبیقی جامع به مدیریت بحران‌های اقتصادی در سیرهٔ این دو بزرگوار پرداخته باشد، انجام نشده است. بیشتر آثار پیشین صرفاً به وقایع‌نگاری یا تحلیل‌های موردی پرداخته‌اند؛ ازجمله بررسی تنش‌های مدینه، مناسبات مهاجرین و انصار و جنگ‌های ارتداد. وجه متمایز این تحقیق، تمرکز بر رفتارشناسی مدیریتی و مطالعهٔ تطبیقی مقایسه‌ای است.

این پژوهش از نوع بنیادی بوده و با روش توصیفی ـ تحلیلی انجام می‌پذیرد. گردآوری اطلاعات به شیوهٔ کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع معتبر تاریخی و اسلامی صورت گرفته است.

۱. مفاهیم

۱ـ۱. مدیریت

فراگرد به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای نظام ارزشی پذیرفته‌شده برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده است.

۱ـ۲. بحران

نقطهٔ چرخش در رویدادها که با تغییر وضعیت عادی، تهدیدات جدی و پیامدهای غیرمنتظره همراه است و واکنش فوری می‌طلبد.

۱ـ۳. حکومت

تدبیر سازمان‌یافته شئون اجتماعی، حفظ مناسبات امت بر اساس شریعت اسلامی و نهادینه‌سازی اعمال قدرت مشروع جهت ممانعت از فساد و ایجاد اصلاح.

---

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج۱، ص۶۳۳.

فرضیهٔ اصلی آن است که شیوهٔ مدیریت انواع بحران‌های اقتصادی در سیره نبوی و علوی دارای اصول و مصادیق مشترک فراوانی است که بسته به مقتضیات زمانی و مکانی تفاوت‌های ظریفی پیدا می‌کند. هدف نهایی، تبیین راهکارها و استخراج وجوه افتراق و اشتراک این دو سیره در مواجهه با بحران‌ها جهت تئوری‌پردازی در مدیریت اسلامی است.

۲. مصادیق بحران‌های اقتصادی در حکومت نبوی و راهکارها

در این قسمت با واکاوی رخدادهای تاریخی دوران رسالت پیامبر اکرمﷺ به بررسی انواع بحران‌های اقتصادی در دو دورهٔ «مکی» (پیش از تشکیل حکومت مستقل و در زمان اقلیت مسلمانان) و «مدنی» (دوران استقرار حکومت اسلامی با ابتکار عمل پیامبرﷺ) پرداخته می‌شود. شناخت ماهیت و ابعاد این تهدیدها، زمینه را برای تحلیل راهبردهای پیامبرﷺ در مدیریت این بحران‌ها فراهم می‌آورد.

۱ـ۲. بحران‌های اقتصادی در دوران مکی

در عصر مکی که مرحلهٔ شالوده‌ریزی نظام اسلامی بود، مسلمانان با دو گونه تهدید اقتصادی مواجه بودند:

الف. تهدید اقتصادی هدفمند

این نوع تهدید مستقیماً اشخاص خاصی را هدف قرار می‌داد و شامل تحریم غذایی، ممانعت از تجارت و عدم پرداخت بدهی‌های مسلمانان جهت تسلیم کردن آنان بود. به گزارش تاریخ‌نویسان، سران قریش هر فردی را که مسلمان می‌شد، با شکنجه و گرسنگی و تشنگی آزار می‌دادند.[۱] در نمونه‌ای تاریخی، سعید بن العاص پس از اسلام آوردن پسرش خالد، وی را به قطع کامل غذا و رزق تهدید کرد، اما خالد بر ایمان خود پافشاری نمود.[۲] ابوجهل نیز تجار مسلمان را تهدید می‌کرد که کسب‌وکارشان را کساد و اموالشان را نابود خواهد کرد.[۳] این فشارها سبب شد فعالیت تجاری مسلمانانی چون ابوبکر، خدیجهؓ و عثمان بسیار محدود و استثنایی شود. علاوه بر این، مشرکان از پرداخت دستمزد کارگران مسلمان امتناع می‌کردند؛ چنان‌که عاص بن وائل پرداخت حقوق خبات بن ارث را مشروط به کفر ورزیدن به پیامبرﷺ کرد.[۴] در موردی دیگر، عاص بن وائل در پاسخ به طلب‌کاران مسلمان، با تمسخر آنان را به دریافت مطالباتشان در بهشت حواله داد.[۵]

---

۱. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ص۳۳۹.

۲. عزالدین علی ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ص۸۳.

۳. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ص۳۴۲.

۴. محمد بن اسماعیل بخاری، الجامع الصحیح، ص۲۳۷.

۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ص۹۱.

ب. تهدید اقتصادی فراگیر (تحریم شعب ابی‌طالب)

پس از ناکامی قریش در مهار اسلام با تهدیدهای فردی و مشاهده گسترش نفوذ پیامبرﷺ و حمایت‌های نجاشی و ابوطالب، آنان تصمیم به تحریم همه‌جانبهٔ اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم گرفتند.[۱] سران قریش عهدنامه‌ای در کعبه آویختند که بر اساس آن: ۱. هرگونه خرید و فروش؛ ۲. معاشرت؛ ۳. ازدواج با بنی‌هاشم و بنی‌مطلب اکیداً ممنوع شد.[۲] امیرالمؤمنینؑ در نامه‌ای به معاویه به‌شدت این محاصره و اجبار مسلمانان به پناه گرفتن در کوه‌های دشوار اشاره فرموده‌اند.[۳]

قریش برای اجرای این تحریم از راهکارهای زیر بهره برد:

ـ ممانعت از خرید و فروش: هیچ‌کس حق معامله با بنی‌هاشم را نداشت، مگر در ایام حج. قریش کالاها را با قیمت‌های گزاف از کاروان‌ها می‌خریدند تا به دست مسلمانان نرسد و هرگونه کمک‌رسانی به‌شدت سرکوب می‌شد.[۴]

ـ ممانعت از رسیدن غذا: جاسوسان قریش راه‌ها را به‌شدت کنترل می‌کردند.[۵] بااین‌حال، افرادی چون حکیم بن حزام، ابوالعاص بن ربیع و هشام بن عمر شبانه و مخفیانه خواروبار به شعب می‌رساندند که گاه با برخورد شدید امثال ابوجهل مواجه می‌شدند.[۶] مرحوم طبرسی نیز ممانعت مشرکان از انفاق و زکات (غذا دادن به حاجیان مسلمان) مسلمان) را از مصادیق این فشار اقتصادی می‌داند.[۷]

۲ـ۲. بحران‌های اقتصادی در دوران مدنی

پس از هجرت پیامبرﷺ به مدینه و پایه‌گذاری حکومت اسلامی، تهدیدها ابعاد جدیدی یافتند:

الف. مصادره اموال و دارایی‌های مسلمانان

قریش مانع از انتقال اموال مهاجران به مدینه شد و خانه‌های آنان را مصادره کرد. قرآن کریم در آیهٔ ۸ سورهٔ حشر این مهاجران را کسانی می‌داند که به ناحق از دیار و اموالشان رانده شدند.[۸] برای نمونه، ابوسفیان خانه‌های بنی‌جحش را غصب کرد و فروخت.[۹] همچنین وقتی صهیب رومی قصد هجرت داشت، قریش تمام ثروت او را که

---

۱. احمد بن ابی‌واضح یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ص۳۸۹.
۲. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ص۲۱۴.
۳. نهج‌البلاغه، نامهٔ ۹.
۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ص۱۳۳.
۵. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ص۳۴۳.
۶. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ص۲۳۴.
۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ص۶.
۸. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۹، ص۳۵۵.
۹. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ص۳۳۱.

در مکه اندوخته بود، مصادره کردند و پیامبرﷺ در این‌باره فرمودند: «صهیب سود کرد.»[۱] این مصادره‌ها مهاجران را در مدینه با بحران شدید فقر، بیکاری و فقدان مسکن روبه‌رو ساخت؛ به‌گونه‌ای‌که پیامبرﷺ در آستانهٔ جنگ بدر برای رفع برهنگی و گرسنگی آنان دعا فرمودند.[۲]

ب. محاصره اقتصادی قریش

قریش که انحصار تجارت شبه‌جزیره را در دست داشت،[۳] از این اهرم علیه مدینه استفاده کرد. آنان با عقد پیمان با قبایل مسیر، مدینه را در محاصره تجاری قرار دادند که منجر به افزایش شدید قیمت خواروبار شد.[۴] در مقابل، پیامبرﷺ با تمرکز بر خودکفایی، به‌ویژه در صنایع نظامی، و شکستن تدریجی انحصار تجاری قریش، با این بحران مقابله کردند.

ج. محاصره نظامی ـ اقتصادی احزاب

در سال چهارم یا پنجم هجری، ائتلافی از قریش، یهودیان بنی‌نضیر و قبایل غطفان و بنی‌اسد، مدینه را محاصره کردند.[۵] این محاصره حدود یک ماه طول کشید. هم‌زمانی این محاصره با خشکسالی شدید مدینه، سختی حفر خندق و و اتمام فصل برداشت محصول، بحران بی‌سابقه‌ای رقم زد. جابر نقل می‌کند که به دلیل گرسنگی شدید، پیامبرﷺ سنگ بر شکم بسته بودند[۶] و حضرت زهراﷺ تکه نانی برای ایشان آورد که اولین طعام حضرت پس از سه روز بود.[۷]

د. تهدید به تحریم اقتصادی توسط منافقان

پس از جنگ بنی‌المصطلق، درگیری مختصری میان یک مهاجر و یک انصاری بهانه‌ای شد تا عبدالله بن ابی، سرکردهٔ منافقان، انصار را تحریک کند که کمک‌های مالی (انفاق) خود را از مهاجران قطع کنند تا آنان پراکنده شوند. او تهدید کرد که پس از بازگشت به مدینه، «عزیزان، خواران را اخراج خواهند کرد.»[۸] در این مقطع، سورهٔ منافقون نازل شد[۹] و

---

۱. همان، ص۳۱۰.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۱، ص۲۶.

۳. مصطفی طلاس، پیامبرﷺ و آیین نبرد، ص۱۳۷.

۴. محمدابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص۲۳.

۵. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۴۴۰.

۶. محمد بن اسماعیل بخاری، الجامع الصحیح، ج۵، ص۱۳۷.

۷. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضاﷺ، ج ۲ ص۴۰؛ ج۱، ص۴۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج۱۶، ص۲۲۵؛ ج۲۰، ص۲۴۵؛ مستدرک سفینة البحار، ج۲، ص۱۳۳؛ ینابیع المودة، ج۲، ص۱۳۶؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة الإمام علیﷺ، ج۴، ص۱۸؛ محمد بن ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۱، ص۴۰۰.

۸. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۳، ص۳۰۲؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۴۱۱.

۹. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۳۶۹.

پرده از نفاق وی برداشت. این تهدید، با توجه به شکاف طبقاتی موجود میان مهاجرانِ اموال‌باخته و انصار، مستقیماً امنیت اقتصادی و همبستگی اجتماعی مدینه را هدف گرفته بود.

۳ـ۲. راهکارها

پیامبر اکرمﷺ با درایت الهی، راهبردهای دقیقی برای خنثی‌سازی هر یک از این بحران‌ها به کار بستند:

الف. در برابر محاصره شعب ابی‌طالب

اقدام حضرت ابوطالب در انتقال پیامبرﷺ و خاندان بنی‌هاشم به «شعب» (دره)، یک ابتکار عمل دقیق و یک شاهکار در زمینهٔ مدیریت بحران و پدافند غیرعامل محسوب می‌شود.

ابوطالب به‌درستی پیش‌بینی کرد که اگر بنی‌هاشم در خانه‌های خود در سطح مکه پراکنده باشند، ترور پیامبرﷺ یا حملهٔ ناگهانی به آنها برای قریش بسیار آسان خواهد بود. شعب ابی‌طالب به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و ورودی‌های محدود، مانند یک دژ طبیعی عمل می‌کرد و امکان نگهبانی و کنترل رفت‌وآمدها را به شدت افزایش می‌داد.

ـ استفاده از همبستگی قبیله‌ای: ابوطالب با این تصمیم، تمام اعضای بنی‌هاشم و بنی‌مطلب (حتی غیرمسلمانان آنها به استثنای ابولهب) را بر اساس تعصبات و سنت‌های دفاعِ قبیله‌ای در یک نقطه جمع کرد تا جبههٔ واحدی برای دفاع از جان پیامبر تشکیل دهند.

مدیریت بحران ایشان تنها به ورود به شعب ختم نشد. ازجمله تدابیر امنیتی ابوطالب در داخل شعب این بود که شب‌ها جای خواب پیامبرﷺ را تغییر می‌داد و فرزندان خود (به‌ویژه حضرت علیؑ) را در بستر ایشان می‌خواباند تا در صورت نفوذ شبانه تروریست‌های قریش، جان پیامبر در امان بماند.

حضور در شعب صرفاً یک «تبعید انفعالی و تحمیلی» از سوی قریش نبود، بلکه در درجهٔ اول یک «عقب‌نشینی تاکتیکی و اقدام پیشگیرانه» با ابتکار ابوطالب بود تا در سایهٔ آن، هستهٔ مرکزی و نوپای اسلام از خطر نابودی فیزیکی حفظ شود.

ـ تزریق اموال شخصی (ثروت خدیجهؑ) و ترویج فرهنگ انفاق.

ـ دور زدن هوشمندانهٔ تحریم‌ها از طریق کانال‌های ارتباطی پنهان و خویشاوندی (مانند رساندن غذا توسط امیرالمؤمنینؑ).

ـ دعوت به صبر و استقامت با بهره‌گیری از قصص قرآنی و تقویت همبستگی در جغرافیای محدود شعب.

ـ تبدیل تهدید به فرصت برای کادرسازی، تعمیق باورها و زمینه‌سازی هجرت به مدینه (پیمان‌های عقبه).

ب. در برابر مصادره اموال مسلمانان

اعمال تهدید متقابل از طریق اعزام گشتی‌های نظامی (سریه‌ها) برای ناامن کردن خطوط تجاری قریش و رصد نقاط آسیب‌پذیر آنها.[۱]

---

۱. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۱، ص۱۵۶؛ عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۲، ص۶۱.

مردمی کردن اقتصاد با ابتکار عظیم «عقد اخوت» (پیمان برادری میان مهاجر و انصار) و ایجاد تکافل اجتماعی.

تأمین مسکن و اشتغال از طریق منابع دولت اسلامی (اراضی، فیء، اقطاع‌الدور) و احداث «صفه» در مسجدالنبی برای اسکان موقت فقرا.[۱]

بارزترین نمونهٔ تاریخی مزارعه و مساقات در صدر اسلام، پیمان خیبر است. پیامبرﷺ پس از فتح خیبر، اراضی و نخلستان‌ها را در قالب عقد «مساقات و مزارعه» به یهودیان واگذار کردند تا روی آن کار کنند و نیمی از محصول را به مدینه بفرستند. در خصوص نهی از بیکاری، پیامبرﷺ میان انصار (کشاورز) و مهاجرین (تاجر) پیمان برادری بست تا نیروی کار ترکیب شود. همچنین در روایات متقدم، دعای پیامبر برای دوری از کسالت و سربار جامعه مشهور است: «مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاس.»[۲]

ـ فرهنگ‌سازی کار و تلاش، ترویج مزارعه و مساقات، و نهی شدید از بیکاری.[۳]

ج. در برابر محاصره اقتصادی قریش

تأسیس «بازار اسلامی» مستقل در مدینه برای شکستن انحصار بازارهای مشرکان و یهودیان، همراه با لغو مالیات و اجاره‌بها برای جذب تجار.[۴]

پیامبرﷺ در ماه‌های نخست هجرت، با قبایلی که بر سر راه کاروان‌های تجاری بودند (مانند قبیله «جُهَینه» و «بنی‌ضمره» در منطقهٔ ودان) پیمان صلح و عدم تعرض بستند تا امنیت واردات کالا به مدینه تضمین شود. تشویق واردکنندگان نیز با احادیثی چون «الجالِبُ مَرزوقٌ» محقق شد.[۵]

ـ تحریم متقابل قریش و قطع صادرات غلات از یمامه و مدینه به مکه.

ماجرای «ثُمامَة بن أُثال» رئیس قبیلهٔ حنیفه در یمامه (انبار غله حجاز). او پس از اسارت و اسلام آوردن، مکه را تحریم اقتصادی کرد و گفت: «به خدا سوگند یک دانه گندم از یمامه برای شما نمی‌آید، مگر آنکه پیامبرﷺ اجازه دهد»، که قریش را در تنگنای شدید غذایی قرار داد.[۶]

ـ گام برداشتن به سوی خودکفایی نظامی با بومی‌سازی ساخت سلاح و بهره‌گیری از غنائم.

پیش از محاصره طائف، پیامبرﷺ دو نفر (عُروة بن مسعود و غیلان بن سلمه) را به شهر «جُرَش» در یمن

---

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج۱، ص۲۷۰.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۶۹۰.

۳. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۲، ص۸۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۷۲.

۴. محمد بن ماجه، السنن، ج۲، ص۷۵۱؛ علی بن عبدالله سمهودی، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی، ج۲، ص۷۴۹؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص۲۱.

۵. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۲، ص۲۴۱؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج۲، ص۵.

۶. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۴، ص۲۴۶؛ محمد بن اسماعیل بخاری، الجامع الصحیح، ج۵، ص۱۶۳.

فرستادند تا تکنولوژی ساخت ادوات محاصره (دبّابه / تانک چوبی، و منجنیق) را بیاموزند. همچنین استفاده از غنائم تسلیحاتی بنی‌قینقاع برای تجهیز سپاه اسلام.[۱]

د. در برابر بحران احزاب و منافقان

ـ طبق قول صحیح شخص خاتم الانبیاﷺ از طریق الهام الهی، مسئلهٔ حفر خندق را مطرح می‌کنند و زمانی که مسلمانان اختلاف پیدا کردند، جناب سلمان با توضیح حکمت حفر خندق نظر آنان را بر ضرورت این مسئله جلب نمود و به‌سبب به‌کارگیری این روش، از هجوم لشگر کفار جلوگیری به عمل آمد.[۲]

ـ رصد دقیق اطلاعاتی و پیش‌بینی تحرکات دشمن.

پیش از نبرد (رصد تحرکات مکه)، پیامبرﷺ سیستم اطلاعاتی پویایی داشتند. گروهی از سواران قبیلهٔ «خزاعه» (که هم‌پیمان اطلاعاتی پیامبر در مکه بودند)، به محض حرکت سپاه احزاب، مسافت مکه تا مدینه را در چهار روز طی کردند و پیامبرﷺ را از تعداد نیروها و تجهیزات دشمن آگاه ساختند. همین رصد به موقع باعث شد مسلمانان زمان کافی (حدود شش روز) برای حفر خندق داشته باشند.

ـ حین نبرد (عملیات شناسایی): در شب‌های سرد محاصره، پیامبرﷺ حذیفة بن یمان را برای نفوذ به اردوگاه دشمن و رصد وضعیت روانی و لجستیکی آنها اعزام کردند. حذیفه بدون درگیری اطلاعات را جمع‌آوری کرد و بازگشت.[۳]

حضور میدانی رهبر جامعه (مشارکت فیزیکی پیامبر در حفر خندق) که روحیهٔ مقاومت و جهاد را به شدت ارتقا داد.

پیامبرﷺ در حفر خندق تنها فرمانده نبودند، بلکه مانند یک کارگر ساده کلنگ می‌زدند و خاک جابه‌جا می‌کردند، تا جایی که شکم مبارکشان غبارآلود شده بود. در جریان حفر، وقتی مسلمانان به صخره‌ای سخت (کُدیَة) برخوردند که کلنگ‌ها را می‌شکست، پیامبرﷺ شخصاً وارد خندق شدند و با ضربات خود صخره را خرد کردند. ایشان در حین کار با مسلمانان رجز می‌خواندند که تأثیر شگرفی در ارتقای روحیه داشت.[۴]

هـ. استفاده از امدادهای غیبی، جنگ روانی متقابل و ابتکار عمل در دفاع نظامی و اقتصادی

ـ ابتکار عمل در دفاع (پدافند غیرعامل): خودِ حفر خندق بزرگ‌ترین ابتکار عمل بود. دشمنی که نقطه قوتش سواره‌نظام بود، در برابر خندقی به عرض و عمق چند متر متوقف شد و این ابتکار، ماشین جنگی احزاب را زمین‌گیر و فرسوده کرد.[۵]

---

۱. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۳، ص۹۲۳؛ عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۴، ص۴۳.

۲. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظمﷺ، ج۱۰، ص۱۹۵.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۴۴۰؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، الجامع الصحیح، ج۳، ص۱۴۱۴؛ عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۳، ص۲۴۲.

۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۴۴۵؛ محمد بن اسماعیل بخاری، الجامع الصحیح، ج۵، ص۴۶؛ عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۳، ص۲۲۶.

۵. احمد بن ابی‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۵۰.

ـ جنگ روانی متقابل (عملیات فریب): استفاده از ظرفیت نُعَیم بن مسعود. او از قبیلهٔ غطفان بود و مخفیانه مسلمان شد. پیامبرﷺ به او فرمودند: «تو در میان ما یک نفری، برو و تا می‌توانی در میان دشمن شکاف ایجاد کن؛ زیرا جنگ فریب است (الحربُ خُدعَة)». نعیم با طراحی یک سناریوی روانی و انتقال اخبار دروغین، بین قریش، غطفان و یهودیان بنی‌قریظه چنان بی‌اعتمادی عمیقی ایجاد کرد که ائتلاف آنها از هم پاشید.[۱]

ـ امدادهای غیبی: پس از فرسایش روانی و تفرقه در سپاه دشمن، در شب‌های پایانی، طوفان و باد یخی شدیدی (باد صبا) وزیدن گرفت که خیمه‌های دشمن را از جا کند، دیگ‌های غذا را واژگون ساخت و رعب و وحشت شدیدی ایجاد کرد که منجر به فرار شبانه ابوسفیان و سپاه قریش شد.[۲]

۳. مصادیق بحران‌های اقتصادی در حکومت علوی

حکومت امیرالمؤمنینؑ، به‌عنوان نخستین حکومت شیعی پس از شهادت رسول اکرمﷺ، در دوران کوتاه زمامداری خود با بحران‌های اقتصادی متعددی روبه‌رو شد. در ادامه، ابتدا به تبیین مصادیق این بحران‌ها پرداخته و سپس راهبردهای اقتصادی آن حضرت در مواجهه با آنها بررسی می‌گردد:

یکی از چالش‌های بنیادینی که پس از شهادت پیامبر اکرمﷺ در جامعهٔ اسلامی پدیدار گشت و به تدریج گسترش یافت، انحرافات مالی و اقتصادی بود. عمده‌ترین بحران‌های مالی در دوران حکومت امیرالمؤمنینؑ عبارتند از:

۱ـ۳. بحران اقتصادی ناشی از جنگ‌های داخلی

امیرالمؤمنینؑ در دوران کوتاه خلافت خویش با سه جنگ داخلی (جمل، صفین و نهروان) مواجه شدند. این نبردها علاوه بر تحمیل خسارت‌های معنوی و ایجاد مانع در مسیر اصلاحات علوی جهت احیای سیره نبوی، تلفات جبران‌ناپذیری بر منابع اقتصادی حکومت وارد ساختند. ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این آشوب‌ها عمدتاً به انحرافات پس از دوران پیامبرﷺ بازمی‌گشت.[۳] پیامدهای منفی این جنگ‌ها بر پیکره اقتصاد جامعهٔ اسلامی شامل موارد زیر بود:

الف. هزینه‌های اقتصادی مستقیم

پشتیبانی سپاهیان، تأمین آذوقه، تسلیحات، مرکب و خدمات پزشکی، هزینه‌های هنگفتی می‌طلبید که می‌بایست از بیت‌المال تأمین گردد. افزون بر این، حقوق نظامیان نیز بار مالی سنگینی داشت. امام علیؑ در نامه‌ای به مالک

---

۱. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۳، ص۲۴۰؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج۲، ص۴۸۰.

۲. احزاب: ۹؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج۲، ص۵۷۸؛ عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج۳، ص۲۴۲.

۳. احمد بن محمد ابن‌اعثم کوفی، الفتوح البلدان، ج۲، ص۵۵۵.

اشتر می‌فرمایند: «نظام ارتش جز با مالیاتی که خداوند برای آنان قرار داده استوار نگردد... .»[۱] تأمین این هزینه‌ها با رعایت دقیق حقوق مردم انجام می‌گرفت؛ چنان‌که در نامه به فرمانده سپاه صفین آمده است: «من از جنگِ معرةالجیش [آسیب رساندن بی‌دلیل به مردم] برائت می‌جویم... .»[۲] همچنین در ماجرای استقبال مردم شهر انبار، حضرت پذیرش هدایا و اطعمه را مشروط به کسر بهای آنها از خراج منطقه دانستند.[۳]

ب. هزینه‌های پنهان ناشی از تلفات انسانی

رسیدگی به خانواده‌های کشته‌شدگان دو طرف نبرد، از تعهدات حکومت بود. این سیره حمایتی بعدها در صلح‌نامه امام حسن﵇ نیز تجلی یافت که سهمی از بیت‌المال را به بازماندگان شهدای جمل و صفین اختصاص دادند.[۴] امام علی﵇ به مالک اشتر نیز دستور می‌دهند که همچون جانشینی دلسوز، خلأ سرپرست را برای خانواده شهدا پر کند.[۵] با توجه به آمار بالای تلفات (۲۵ تا ۴۵ هزار نفر در صفین،[۶] ۱۴ هزار نفر در جمل[۷] و حدود ۴ هزار نفر در نهروان[۸])، از دست رفتن حداقل ۱۶ هزار نیروی کار فعال، علاوه بر تحمیل بار تکفل خانواده‌ها بر دوش دولت، منجر به کاهش چشمگیر سطح تولید ملی گردید.

۲ـ۳. غارت بیت‌المال بصره و خسارت به منابع مالی حکومت

در آن مقطع، بصره مرکزیت اداره اقتصادی نواحی جنوب و شرق (فارس، خوزستان، خراسان و...) را بر عهده داشت و درآمدهای هنگفتی به بیت‌المال آن سرازیر می‌شد.[۹] شورشیان جمل با آگاهی از این ثروت، بصره را هدف گرفتند. گرفتند. طلحه و زبیر پس از دستگیری عثمان بن حنیف، بیت‌المال بصره را تصرف کرده و عایشه دستور داد عبدالله بن زبیر بر درِ آن مهر بزند.[۱۰] تقسیم ناعادلانه این اموال توسط طلحه برای جذب نیرو، علاوه بر تهی کردن خزانه، منجر به بروز تفرقه و درگیری‌های خونین میان مردم بصره شد.[۱۱]

---

۱. نهج‌البلاغه، نامهٔ ۵۳.
۲. عبدالحمید بن هبةالله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۱۷، ص۴۸.
۳. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ص۱۲۵.
۴. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۱۲.
۵. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ج۲، ص۱۳۴.
۶. عبدالحمید بن هبةالله ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۲، ص۲۰۸؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج۱، ص۷۵۱؛ احمد بن محمد ابن‌اعثم کوفی، الفتوح البلدان، ج۳، ص۱۸۱.
۷. محمد بن محمد بن نعمان مفید، الارشاد، ص۴۱۹.
۸. احمد بن ابی‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۹۳.
۹. جواد هروی، تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)، ص۲۴۱.
۱۰. محمد بن محمد بن نعمان مفید، الارشاد، ص۲۸۴؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج۳، ص۱۹.
۱۱. محمد بن محمد بن نعمان مفید، الجمل، ص۲۳۱.

۳ـ۳. هرز دادن امکانات بیت‌المال توسط کارگزاران معزول اموی

والیان حکومت پیشین که ثروت‌های هنگفتی اندوخته بودند، با مشاهده قاطعیت امام علی﵇ در توزیع عادلانهٔ ثروت، منافع خود را در خطر دیدند. آنان با فرار به مکه و انتقال اموال و تسلیحات دولتی، هزینه‌های جنگ جمل را تأمین کردند. امام﵇ با درک این توطئه، تلاش کردند تا جای ممکن مسیر خروج آنان و تاراج بیت‌المال را مسدود نمایند.[۱]

۴ـ۳. راهکارها

امیرالمؤمنین﵇ در همان دوران کوتاه حکومت، اصلاحات ساختاری و بنیادینی را برای مهار بحران‌ها آغاز کردند:

الف. اصلاح سیستم توزیع بیت‌المال

پس از ۲۵ سال فاصله گرفتن از سیرهٔ مساوات‌جویانه پیامبرﷺ، امام علی﵇ نظام طبقاتی و امتیازات ویژه اشراف را ملغی کرد و اموال را به صورت کاملاً مساوی میان همهٔ مسلمانان (عرب و عجم، فقیر و غنی) تقسیم نمود.[۲]

در پاسخ به اعتراض طلحه و زبیر فرمودند: «در کاری که خداوند حکمش را مقرر داشته و امضا کرده، نیازی به رأی شما نداشتم.»[۳] وقتی پیشنهاد شد برای جلب حمایت اشراف به آنان امتیاز مالی بدهند، قاطعانه رد کرده و فرمودند: «آیا مرا فرمان می‌دهید پیروزی را با ستم بر رعیت طلب کنم؟... اگر این مال از آن من هم بود، به تساوی تقسیم می‌کردم، چه رسد به اینکه مال خداست.»[۴]

ـ تساوی در سهم امهانی (خواهر امام) با کنیزش،[۵] برخورد سخت‌گیرانه با عقیل،[۶] بازپس‌گیری گردنبند عاریتی از از دخترشان[۷] و پرهیز شخصی از برداشت حتی یک درهم از بیت‌المال،[۸] نمونه‌های بارز این عدالت است. حضرت همچنین در همان روز دوم خلافت، بازگرداندن قطعی زمین‌ها و اموال غصب‌شده دوران عثمان را اعلام کردند و فرمودند: «به خدا سوگند حتی اگر ببینم که بیت‌المال به مهر زنان یا بهای کنیزان درآمده، آن را بازمی‌گردانم.»[۹]

---

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج۴، ص۴۵۱؛ احمد بن محمد ابن‌اعثم کوفی، الفتوح البلدان، ج۲، ص۴۵۳؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج۲، ص۲۲۲.

۲. احمد بن ابی‌واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۸۳؛ احمد بن داوود دینوری، الأخبار الطوال، ص۱۴۱؛ عبدالحمید بن هبةالله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۷، ص۳۷.

۳. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۶.

۴. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۶.

۵. محمد بن محمد بن نعمان مفید، الاختصاص، ص۱۵۱.

۶. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص۴۹۷؛ نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۲۴.

۷. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج۱۰، ص۱۵۱؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج۲، ص۳۷۰.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸ ص۱۸۲.

۹. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۵؛ عبدالحمید بن هبةالله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۱، ص۲۶۹؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، الذهب، ج۲، ص۳۵۳.

ب. اصلاح نحوه ستانش و توزیع مالیات

امام علی﵇ ریشهٔ سقوط دولت پیشین را در توزیع ناعادلانه مالیات و انحصار آن می‌دانستند.[۱] ایشان با نقد صریح حاکمان پیشین که «مردم را از حق‌شان محروم کردند تا آن را با رشوه بخرند»،[۲] نظام مالیاتی عادلانه‌ای پایه‌ریزی کردند. بر اساس روایات، نرخ خراج در دولت علوی شناور و کاملاً متناسب با مرغوبیت زمین، نوع محصول و شیوه آبیاری تعیین می‌شد.[۳] در دستورالعمل مالیاتی به کارگزارانی چون مصعب بن یزید، حتی معافیتِ مالیاتیِ درختان خرمایِ تک‌افتاده که مورد استفاده رهگذران بود، لحاظ می‌گردید.[۴]

ج. احیای خمس

امام﵇ با تأکید بر نص صریح قرآن، خمس را حق انحصاری اهل‌بیت﵈ و ابزاری برای رفع فقر می‌دانستند. بااین‌حال، به دلیل درگیری در جنگ‌های داخلی که غنائمی در پی نداشتند، منابع خمس محدود بود و همان مقدار اندک نیز با رضایت اهل‌بیت﵈ صرف مصالح حیاتی جهان اسلام و دفع تهدیدات معاویه می‌شد.[۵]

۴. مقایسه تطبیقی راهکارهای پیامبرﷺ و امام علی﵇ در مدیریت بحران اقتصادی

سیاست‌های اقتصادی پیامبر اکرمﷺ در مدینه بر پایهٔ تعدیل اندیشهٔ مادی، رشد و توسعهٔ اقتصادی و پی‌ریزی شالوده‌های یک نظام نوبنیاد استوار بود. در مقابل، جامعه‌ای که به دست امام علی﵇ رسید، جامعه‌ای بود که طی ۲۵ سال، ارزش‌های بعثت را به حاشیه رانده و دچار شکاف عمیق طبقاتی، ویژه‌خواری اصحاب و فساد اداری شده بود.

۱ـ۴. شباهت‌ها

محور بنیادین تصمیمات در هر دو دوره، استقرار «عدالت اقتصادی» و توزیع عادلانه ثروت بود.

تکیه بر وجوهات شرعی (خمس و زکات) به‌عنوان اهرمی قدرتمند برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و مدیریت بحران‌ها.

۲ـ۴. تفاوت‌ها

ـ ماهیت اقدام: راهکارهای پیامبرﷺ عمدتاً جنبهٔ «تأسیسی و نهادسازی» داشت (نظیر پایه‌گذاری بازار اسلامی یا عقد اخوت)، اما رویکرد امیرالمؤمنین﵇ ماهیتاً «اصلاحی و سلبی» بود و بر احیا و بازسازی سنت‌های فراموش‌شده و مبارزه با فساد نهادینه‌شده تمرکز داشت.

---

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۳.

۲. نهج البلاغه، نامهٔ ۷۹.

۳. زید بن علی بن الحسین، مسند الامام زید، ص۱۹۷.

۴. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۱۹.

۵. علی‌اکبر رشاد، دانشنامه امام علی﵇، ج۷، ص۳۹۵؛ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج۶، ص۵۵۸.

ـ ابزارهای مالی: در دوران حکومت علوی، به دلیل وسعت جغرافیایی و توسعهٔ دیوان‌سالاری، «مالیات و خراج» به‌عنوان یکی از بازوهای اصلی مدیریت بحران‌های اقتصادی به کار گرفته شد؛ درحالی‌که در عصر نبوی، سیستم پیچیده و مدون مالیات و خراج (به‌معنای دیوانیِ پس از فتوحات) هنوز شکل نگرفته بود.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی بحران‌های اقتصادی در حکومت نبوی و علوی نشان می‌دهد که مدیریت این بحران‌ها در سیرهٔ پیامبر اکرمﷺ و امیرمؤمنانؑ، علی‌رغم تفاوت در شرایط تاریخی، ساختار اقتصادی و ماهیت تهدیدها، بر اصول بنیادین مشترکی استوار بوده است. عدالت اقتصادی، صیانت از منابع عمومی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، مقابله با انحصار و فساد، تقویت همبستگی اجتماعی و بهره‌گیری از تدابیر متناسب با شرایط بحران، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک در رویکرد مدیریتی این دو پیشوای اسلامی به‌شمار می‌روند، بااین‌حال، شیوهٔ تحقق این اصول با توجه به شرایط تاریخی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی متفاوت بوده است.

در دوران حکومت پیامبر اکرمﷺ بحران‌های اقتصادی عمدتاً در قالب تحریم‌های هدفمند و فراگیر، مصادرهٔ اموال مهاجران، محاصرهٔ تجاری مدینه و تهدید انسجام اقتصادی و اجتماعی جامعهٔ نوپای اسلامی بروز یافتند. بررسی اقدامات پیامبرﷺ نشان می‌دهد که راهبرد مدیریت بحران در این دوره، افزون بر مقابله با تهدیدهای فوری، بر ایجاد ظرفیت‌های پایدار اقتصادی و اجتماعی متمرکز بود. تشکیل بازار مستقل اسلامی، توسعهٔ روابط تجاری و پیمان‌های تأمین امنیت مبادلات، تقویت خودکفایی، ایجاد پیمان برادری میان مهاجران و انصار، حمایت از اشتغال و بهره‌گیری از ظرفیت‌های همیاری اجتماعی، نمونه‌هایی از این رویکرد به‌شمار می‌روند. بر این اساس، مدیریت نبوی را می‌توان رویکردی عمدتاً تأسیسی و نهادساز دانست که درصدد کاهش وابستگی اقتصادی، افزایش تاب‌آوری جامعه و فراهم کردن زمینه‌های استقلال اقتصادی حکومت اسلامی بود.

در مقابل، بحران‌های اقتصادی دوران حکومت امیرمؤمنانؑ بیشتر تحت تأثیر پیامدهای انحرافات مالی و اداری پیشین، گسترش امتیازات طبقاتی، تصرف ناعادلانه منابع عمومی و جنگ‌های داخلی قرار داشتند. در چنین شرایطی، مسئلهٔ اصلی صرفاً تأمین منابع اقتصادی نبود، بلکه بازگرداندن عدالت به ساختار توزیع ثروت، اصلاح مناسبات مالی حکومت و جلوگیری از استمرار فساد و ویژه‌خواری نیز ضرورت داشت. تأکید حضرت امیر بر توزیع برابر بیت‌المال، بازپس‌گیری اموال عمومی، اصلاح نظام مالیاتی و خراج، رعایت حقوق مردم در تأمین هزینه‌های حکومت و نظارت بر عملکرد کارگزاران، بیانگر رویکردی اصلاحی و عدالت‌محور در مدیریت بحران‌های اقتصادی است. از این منظر، سیرهٔ علوی نشان می‌دهد که پایداری اقتصادی حکومت بدون اصلاح ساختارهای معیوب، مقابله

با فساد و تضمین حقوق اقتصادی مردم تحقق‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، تفاوت این دو رویکرد را باید بیش از آنکه ناشی از تعارض در اصول بدانیم، حاصل تفاوت در شرایط تاریخی و اقتضائات مدیریتی هر دوره تلقی کنیم.

مقایسهٔ دو سیره همچنین آشکار می‌سازد که عدالت اقتصادی، مهم‌ترین پیوند مفهومی میان مدیریت بحران در عصر نبوی و علوی است. در هر دو دوره، منابع مالی و امکانات عمومی نباید به ابزار تثبیت قدرت گروه‌های خاص یا تأمین منافع اشخاص و طبقات ممتاز تبدیل شوند؛ بلکه باید در جهت مصالح عمومی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی و حفظ انسجام اجتماعی به کار گرفته شوند.

از دیگر یافته‌های پژوهش آن است که مدیریت بحران اقتصادی در این دو سیره، به اقدامات مالی محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از تدابیر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سازمانی را دربر می‌گیرد. تقویت همبستگی اجتماعی، مشارکت دادن افراد در فرایند تصمیم‌گیری، استفاده از ظرفیت‌های موجود جامعه، شناسایی به‌موقع تهدیدها، کاهش وابستگی به منابع آسیب‌پذیر و حضور مسئولانه حاکم در کنار مردم، از مؤلفه‌هایی هستند که در کنار اصلاح سیاست‌های مالی به افزایش توان جامعه برای عبور از بحران کمک می‌کنند. بر این اساس، کارآمدی مدیریت بحران را نمی‌توان صرفاً با سرعت واکنش یا میزان منابع اختصاص‌یافته سنجید؛ بلکه میزان تحقق عدالت، حفظ کرامت انسانی، صیانت از حقوق عمومی و توانایی نظام حکمرانی در بازسازی ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی نیز باید در ارزیابی آن مورد توجه قرار گیرد.

بر مبنای این یافته‌ها، می‌توان چند اصل اساسی برای مدیریت اسلامی بحران‌های اقتصادی استخراج کرد: نخست. استقرار عدالت در توزیع منابع و فرصت‌های اقتصادی و جلوگیری از تمرکز ثروت و شکل‌گیری امتیازات ناموجه؛ دوم. شفافیت مالی، نظارت بر بیت‌المال و پاسخ‌گویی کارگزاران برای پیشگیری از فساد و سوءاستفاده از منابع عمومی؛ سوم. حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت سازوکارهای همیاری و مسئولیت اجتماعی؛ چهارم. توسعهٔ ظرفیت‌های تولیدی، اشتغال و استقلال اقتصادی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری؛ پنجم. تناسب‌بخشی میان ابزارهای سیاست‌گذاری و ماهیت بحران، به‌گونه‌ای‌که اقدامات فوری با اصلاحات ساختاری و بلندمدت همراه شوند؛ ششم. تقویت انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی به‌عنوان پشتوانه اجرای سیاست‌های اقتصادی و عبور از شرایط اضطراری.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آیتی، محمدابراهیم، *تاریخ پیامبر اسلام*، قم، دارالفکر، ۱۳۸۶.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۳.

ابن‌اثیر، عزالدین علی، *کامل فی التاریخ*، ترجمهٔ ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسهٔ مطبوعات علمی، ۱۳۷۱.

ابن‌اعثم کوفی، احمد بن محمد، *الفتوح البلدان*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق.

ابن‌سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارالصادر، ۱۳۷۴ق.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۴۰۴ق.

ابن‌ماجه، محمد بن یزید، *سنن ابن‌ماجه*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۹۸م.

ابن‌هشام، عبدالملک بن، *السیرة النبویة*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۵۵م.

ابن‌هشام، عبدالملک، زندگانی محمد پیامبر اسلام، ترجمه: سیدهاشم رسولی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۵

ابن‌سعد، محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۸م.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، دمشق، دار ابن‌کثیر، ۲۰۰۲م.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، دمشق، دار ابن‌کثیر، ۲۰۰۲م.

بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *دلائل النبوة*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *السنن الکبری*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

دینوری، احمد بن داود، *اخبار الطوال*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۳.

رشاد، علی‌اکبر، *دانشنامه امام علی*ﷺ، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.

زید بن علی بن الحسینﷺ، *مسند الامام زید*، بیروت، منشورات دار مکتبة الحیاة، ۱۴۱۲ق.

سمهودی، علی بن عبدالله، *وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۴۱۳ق.

صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*ﷺ، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰.

طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۵ق.

طلاس، مصطفی، *پیامبرﷺ و آیین نبرد*، ترجمهٔ حسن اکبری مرزناک، تهران، بعثت، بی‌تا.

طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ق.

عاملی، سیدجعفر مرتضی، *الصحیح من سیرة النبی الاعظم*، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.

قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، ترجمهٔ جواد غفاری، قم، بنی‌الزهرا، ۱۳۹۲ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.

مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، بی‌تا.
مسلم بن حجاج نیشابوری، *الجامع الصحیح*، بیروت، دار ابن‌حزم، ۱۹۹۸م.
مفید، محمد بن محمد نعمان، *الاختصاص*، قم، مؤسسة النشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، قم، کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الجمل*، بیروت، مکتبة الداوری، ۱۴۱۶ق.
منقری، نصر بن مزاحم، *وقعهٔ صفین*، ترجمهٔ کریم زمانی جعفری، تهران، مؤسسهٔ فرهنگی رسا، ۱۳۶۴.
واقدی، محمد بن عمر، الروات، بیروت: مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹
واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
هروی، جواد، *تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)*، چ دوم. تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، چ ششم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

Table of Contents

The Role of Aisha's Traditional and Charismatic Legitimacy in Mobilizing the People of Basra in the Battle of the Camel / 7
Mohammad Hassan Beigi

A Comparative Study of the Three Battles of Imam Ali's Era in Relation to the Politics and Ideas of the First Three Caliphs / 23
✍ *Seyed Mohsen Sharifi / Shokrallah Khakrand*

The Shi'a History in the Intelligent Age: A Strategic Study of the Capacities and Opportunities of Using Artificial Intelligence / 43
✍ *Ali Ezzati / Hamed Gheraati / Mehdi Esmaeili*

Imam Ali and Confrontation with Hypocrites and Opponents (Strategies and Methods) / 63
✍ *Ahmad Fallahzadeh / Davud Kodouri / Seyed Naser Mousavi / Mohammad Hassan Nadem*

The Governance of the Prophetic State over the Bayt al-Mal / 85
✍ *Seyed Javad Mirzazadeh Qaṣṣab-Kalai / Seyed Mohammad Kazem Rajaii Ramseh / Seyed Mohammad Ali Mousavi*

A Comparative Study of Economic Crises in the Prophetic and Alid Governments and Strategies for Their Management / 107
✍ *Mohammad Vahednejad / Javad Soleymani Amiri*